

زاپاتیست ها و سیب^۱



دوریتو می گوید زندگی به سیب می ماند.

دوریتو می گوید بعضی ها آن را وقتی هنوز سبز است می خورند، بعضی پوسیده و برخی هم آن را رسیده می خورند.

و همو باز می گوید بعضی ها هم هستند انگشت شمار، که می توانند تصمیم بگیرند سیب را چگونه بخورند: آیا آن را در یک سالاد عالی میوه بخورند، یا به شکل پوره، در یکی از آن نوشابه های سیب (که به سلیقه دوریتو نفرت انگیز است)، یا به شکل آب سیب، یا در کیک، در بیسکویت، و یا در هر چیزی که رستوران داران بخواهند.

دوریتو می گوید خلق های بومی مجبورند سیب پوسیده بخورند. جوانان برایشان هضم کردن سیب سبز مهم است، حال آنکه کودکان را با زهر دروغ آلوده کرده، به آنها وعده یک سیب خوشگل می دهند، به زنان می گویند به آن ها یک سیب خواهند داد ولی تنها نصف پرتقال می دهند.

دوریتو می گوید زندگی به یک سیب می ماند.

نیز می گوید یک زاپاتیست آنگاه که در مقابل یک سیب قرار بگیرد، تیزی سحر را می گیرد و با ضربه ای ماهرانه آنرا از وسط نصف می کند.

دوریتو می گوید زاپاتیست نمی کوشد سیب را بخورد. حتی توجه نمی کند که آیا آن سیب رسیده است، پوسیده است یا سبز.

دوریتو می گوید وقتی قلب سیب باز شد، زاپاتیست با دقت زیاد تخم آنرا برمی دارد، می رود و قطعه زمینی آماده می کند، و آنرا می کارد.

دوریتو، بعد، می گوید، زاپاتیست نهال را با اشک و خونش آبیاری کرده، رشد آن را نظاره می کند.

(۱) Los Zapatistas y Las Manzanas سرمقاله نشریه نظری، تحلیلی و تازه تأسیس «ربلدیللا» Rebellidilla (شورشگری)، شماره یک، ۱۷ نوامبر ۲۰۰۲، تاریخی که مصادف با بیستمین سالگرد تأسیس ارتش زاپاتیستی آزادیبخش ملی نیز هست.

دوریتو می گوید زاپاتیست شکوفه کردن سیب را نمی بیند، و کمتر از آن، میوه ای را که به بار خواهد آورد.

دوریتو می گوید زاپاتیست سیب را می کارد تا روزی، آنگاه که دیگر او نیست، هر کسی بتواند یک سیب رسیده بچیند و آزادانه تصمیم بگیرد که آیا می خواهد آنرا در یک سالاد میوه بخورد، یا همچون پوره، یا آب سیب، یا در کیک یا در یکی از این نوشابه های سیب (که به سلیقه دوریتو نفرت انگیز است).

دوریتو می گوید مسئله زاپاتیست ها این است که بذر را بکارند و با بی خوابی شاهد رشد آن باشند. دوریتو می گوید که مسئله دیگر انسان ها مبارزه برای این است که بتوانند آزادانه انتخاب کنند که چگونه می خواهند سیبی را که به بار خواهد آمد، بخورند.

دوریتو می گوید اختلاف زاپاتیست ها با دیگر انسان ها در این است: جائی که همه یک سیب می بینند، زاپاتیست یک بذر می بیند. زمینی را آماده می کند، بذر را می کارد، و از آن مواظبت می کند.

غیر از این ها، دوریتو می گوید ما زاپاتیست ها مانند هر همسایه زاده دیگری هستیم. و در حالی که به من چپ چپ نگاه می کند که چگونه کلاه چهره پوش را از سرم برمی دارم، می گوید: تازه از آن هم بدتریم.

معاون فرمانده شورشی مارکوس
از یکی از سحرگاه های قرن بیست و یکم

(ترجمه بهرام قدیمی)